

امام سجاد(ع) فرمودند که راه های کمک به حفظ حق این عضو چند راه است. یعنی اسباب و وسائل یاری کننده انسان برای اینکه از این عضو در مسیر حرام استفاده نکند و فقط آن را در جهت حلال به کار گیرد چند راه است. یکی غض البصر است. فرمودند «فانه من اعون الاعوان» ما این را توضیح دادیم که چرا اعون الاعوان است، چرا فرو انداختن چشم، (نه چشم بستن، این را از ما نمی خواهند که چشممان ببندیم و با چشم بسته در خیابان راه برویم) و پلک را پایین انداختن اعون الاعوان است؟ توضیح دادیم که این بدان جهت است که چشم دروازه آگاهی و معرفت انسان است، (در بخشی از معرفت ها، نه اینکه منحصر به این باشد) گفتیم تصویری که با دیدن در ذهن انسان نقش می بندد در ذهن و در روح و قلب انسان پردازش می شود و سبب می شود یک سری تصاویر و اوهام را تولید کند و خدای نکرده انسان به حرام می افتد. این یک گلوگاه است، چشم برای قوه شهوت و اینکه این قوه در مسیر حرام استفاده شود و یا حلال، یک گلوگاه است. برای همین است که امام (علیه السلام) فرمود «فانه من اعون الاعوان» این را توضیح دادیم.

### پیامدهای خطرناک نظر حرام

اشاره به برخی از روایات کردیم که چگونه چشم و گوش در قلب و روح انسان اثر می گذارد. نگاه کردن واقعا آثار بسیار سوء و پیامد های منفی دارد، نگاه کردن حرام، نگاه کردن غیر مشروع. زیرا نگاه کردن می تواند منشأ خیلی از مشکلات باشد که به چند نمونه از این مشکلات اشاره می کنم،

#### ۱. انصراف از یاد خدا

اولین اثر سوء نگاه ناروا منصرف شدن انسان از ذکر و یاد خداست. نگاه ناروا انسان را از ذکر خدا دور می کند، این روایت را دقت کنید «لَيْسَ فِي الْجَوَارِحِ أَقْلٌ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ ، فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»<sup>۱</sup> هیچ عضوی در بدن ناسپاس تر از چشم نیست، «اقل شکر» در میان اعضای بدن دست و پا به این اندازه ناسپاسی ندارند، شاید هم به خاطر میدان مانوری است که چشم دارد، چشم در میان اعضای بدن از همه ناسپاس تر است. زیرا مهمترین ناشکری این است که از این عضو در یک مسیر غیر مشروع استفاده شود، این بدترین ناسپاسی است. لذا برای اینکه یعنی چشم گرفتار ناسپاسی نشود و از ذکر خدا غافل نگردد فرماید «فلا تعطوها سؤلها» همه خواست هایش را اجابت نکنید، به محض این که چیزی دلش خواست به او ندهید، انسان بدون اختیار و اراده نگاه نمی کند، دلش می خواهد نگاه کند، این می شود درخواست چشم؛ اگر همان موقع راهش را ببندید مشکل حل می شود ولی اگر این درخواست های او را اجابت کنید و اجازه بدهید که هرزگی کند انسان را از یاد خدا باز می دارد و دل انسان مکدر می کند، قلب انسان را از نورانیت می اندازد، مانع درک حقائق و معارف می شود.

#### ۲. کاشتن بذر هوا و هوس در دل انسان

یکی دیگر از آثار مهم نگاه ناروا کاشتن بذر هوا و هوس در دل انسان است. یعنی نگاه موجب می شود بذر هوا و هوس در دل انسان کاشته شود و سپس به مناسبت های مختلف شروع می کند به رشد کردن، شما یک بذری که در یک خاک حاصل خیز می کارید، بعد آن را آبیاری و سپس نگاه داری می کند تا پس از مدتی به یک درخت تنومند تبدیل می شود. می گوید نگاه ناروا، یعنی

<sup>۱</sup> بحار، ج ۱۰، ص ۱۰۶.

آن نگاهی که نباید باشد گرامی اسلام (ص) می فرماید «إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ النَّظْرِ؛ فَإِنَّهُ يَبْذُرُ الْهَوَى، وَ يُؤَلِّدُ الْغَفْلَةَ»<sup>۱</sup> فضول النظر، یعنی نگاه های رها و هرزه، همان چشم چرانی، می فرماید: از این نگاه پرهیزید، زیرا این کار موجب می شود که بذر هوا و هوس در قلب انسان کاشته شود و میوه آن غفلت خواهد بود، میوه و محصول این بذر غفلت است، همان که الان اشاره کردیم «فلاتعطوها سولها» درخواست هایش را اجابت نکنید که این موجب غفلت از ذکر خدا می شود، اینجا نیز همین است، می فرماید این بذری که شما در دلتان می کارید میوه و ثمره اش غفلت است.

### ۳. فتنه

سومین اثر و پیامد منفی نگاه ناروا ایجاد فتنه و تحریک شهوت است. عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) به یارانش می فرماید «إِيَّاكُمْ وَ النَّظْرَةَ، فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً»<sup>۲</sup>؛ پرهیزید از نگاه حرام، زیرا این موجب این می شود که در دل شما بذر شهوت کاشته شود این در در روایت قبلی بود و اینجا ما این حیث که «و کفی لصاحبه ها فتنه» منجر به فتنه می شود را ذکر کنیم. به هر حال نگاه سر از فتنه در می آورد.

### ۴. حسرت

در برخی روایات یکی از مهمترین آثار نگاه حرام را حسرت بیان کردند. وقتی کسی نگاه ناروا می کند، خدای نکرده به یک صحنه ای که نظر به آن جایز نیست، نگاه کند شهوت تحریک می شود، بذر هوا کاشته می شود و یک اثر منفی دیگر بر جای می گذارد و آن حسرت است، آه و حسرت، یعنی دلش چیزی می خواهد که دسترسی به آن ندارد، حسرت است، همواره ای کاش ای کاش می کند، به زبان نمی آورد، اما آن حالت حسرت در او می باشد.

حضرت علی (ع) می فرماید: «کم من نظره جلبت حسرة»<sup>۳</sup>؛ چه بسیار نگاه هایی که حسرت به دنبال خودش دارد امام صادق (ع) هم می فرمایند «کم من نظره أورثت حسرة طویلة»<sup>۴</sup> چه نگاه های ناروایی که حسرت طولانی مدت را بر دل ناظر قرار می دهد. داستان های مربوط به این خطا زیاد است. کسانی که با یک نگاه گرفتار مشکلاتی شدند و حسرت هایی که برای آنها پیش آمد تا جایی که حتی ایمان خودشان را از دست دادند.

### ۵. گرفتار شدن در دام شیطان

در روایت دیگری تعبیر دام شیطان برای نگاه به کار رفته است، یعنی نگاه یک دام است. وقتی هم که انسان در این دام گرفتار شد دیگر خلاصی از آن مشکل است، پس یکی از مهمترین آثار نگاه ناروا گیر افتادن است، گیر کردن است، انسان در یک دامی گرفتار می کند که نمی تواند بیرون بیاید.

حضرت علی (ع) می فرماید «العیون مصائد الشیطان»<sup>۵</sup> چشم ها دام های شیطان هستند، محل صید است یعنی بهترین وسیله برای اینکه شیطان انسان را صید کند نگاه است، دیگر با نگاه کنترل انسان در دست شیطان است.

اگر بخواهیم این آثار را بیان کنیم، کم نیستند. برای همین است که این همه بر حفظ و مراقبت از نگاه تأکید شده است.

### مهمترین نتیجه ترک نگاه حرام

<sup>۱</sup> بحار، ج ۶۹، ص ۱۹۹.

<sup>۲</sup> بحار، ج ۷۵، ص ۲۸۳.

<sup>۳</sup> بحار، ج ۶۸، ص ۲۹۳.

<sup>۴</sup> بحار ج ۷۴ ص ۲۹۴

این روایت را از رسول خدا همه شنیدید که «الْتَنْظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ ، فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ»<sup>۱</sup> نظره و نگاه ناروا، یک تیر مسمومی از تیرهای شیطان است، کسی که خودش را مراقبت کند و ترک کند این گناه را برای خدا و نه برای دیگران، خداوند ایمانی را در دل او ایجاد می کند که او شیرینی آن را حس می کند. یعنی درک حلاوت ایمان، این یعنی یک کرامت و نعمت اعطایی از طرف خداوند. یک وقت یک کسی نگاه نمی کند چون دور و برش کسانی هستند و او با خودش می گوید در مقابل اینها این کار زشت است او این کار را لغیرالله می کند؛ یک وقت برایش فرق نمی کند کسی باشد یا نباشد، او خودش را حفظ می کند کسی که برای خدا خودش را از معرض این سهام و تیرهای مسموم خارج کند خداوند حلاوت و شیرینی ایمان را در قلب او قرار می دهد.

«اعقبه» بلافاصله به دنبال این یک ایمان قلبی در دل او پدید می آید که شیرینی آن را احساس می کند.

«والحمد لله رب العالمين»

<sup>۱</sup> من لا يحضر، ج ۴، ص ۱۸.